

مرد بتر است یا زن؟



در حال حاضر گرایش کلی بر این است که هوش را به عنوان نوعی استعداد کلی در نظر گیرند . بر اساس آمار موجود ، نتیجه گیری کلی از انواع مختلف معیارهای هوشی ، کاری مشکل است زیرا در تست های گروهی نیز که بوسیله روانشناسان مختلف مورد استفاده قرار گرفته است اختلاف چشمگیری بین دو جنس ملاحظه نشده است . با این حال باید دانست که برابری کلی عدم تساویهای ویژه ای را که یکدیگر را خنثی و جبران می کنند ، نفی نمی کند . بعنوان مثال مسئله نیروی ذهنی و ظرفیت هوشی را میتوان با در نظر گرفتن کارهای انجام شده مورد مطالعه قرار داد . برای این منظور از مراحل تحصیلی شواهدی ذکر میکنیم .



دختران از این برتری در رشته‌هایی برخوردارند که عامل کلامی خصوصا " املاء و انشاء در آن دخالت می‌کند .

با اینحال وقتی که نه فقط نتایج تست‌های ساختمانی خاص، بلکه راندمان تحصیلی در مجموع، در نظر گرفته میشود برتری دختران بصورت بارزی بچشم می‌خورد. این نتیجه‌ای است که از تحقیقات انجام شده در کشورهای مختلف و در زمانهای متفاوت بدست آمده است. دختران در تمام سطوح آموزش بهتر از پسران باموقعیت تحصیلی سازش میکنند و خیلی بندرت دیده شده است که عقب ماندگی داشته باشند و اغلب اوقات جلوتر از پسران می‌باشند. یالاقل برتری نسبی از خود نشان میدهند.

جالب است کیفیاتی که موفقیت های تحصیلی دختران را در سطوح ابتدائی و متوسطه و حتی امتیازات تعلیمات عالی تبیین میکنند خاطر نشان شود. "هیمن" ضمن تحقیق و بررسی پرسشنامه‌ای که در دانشگاههای هلند بعمل آورده مکررا "متوجه جنبه‌های علمی، اطاعت و نظم و ترتیب حضور دختران دانشجو در کلاس درس شده است و " گلسو" نشان داده است که دختران بیش از پسران برای تحصیل و مطالعه وقت صرف می‌کنند.



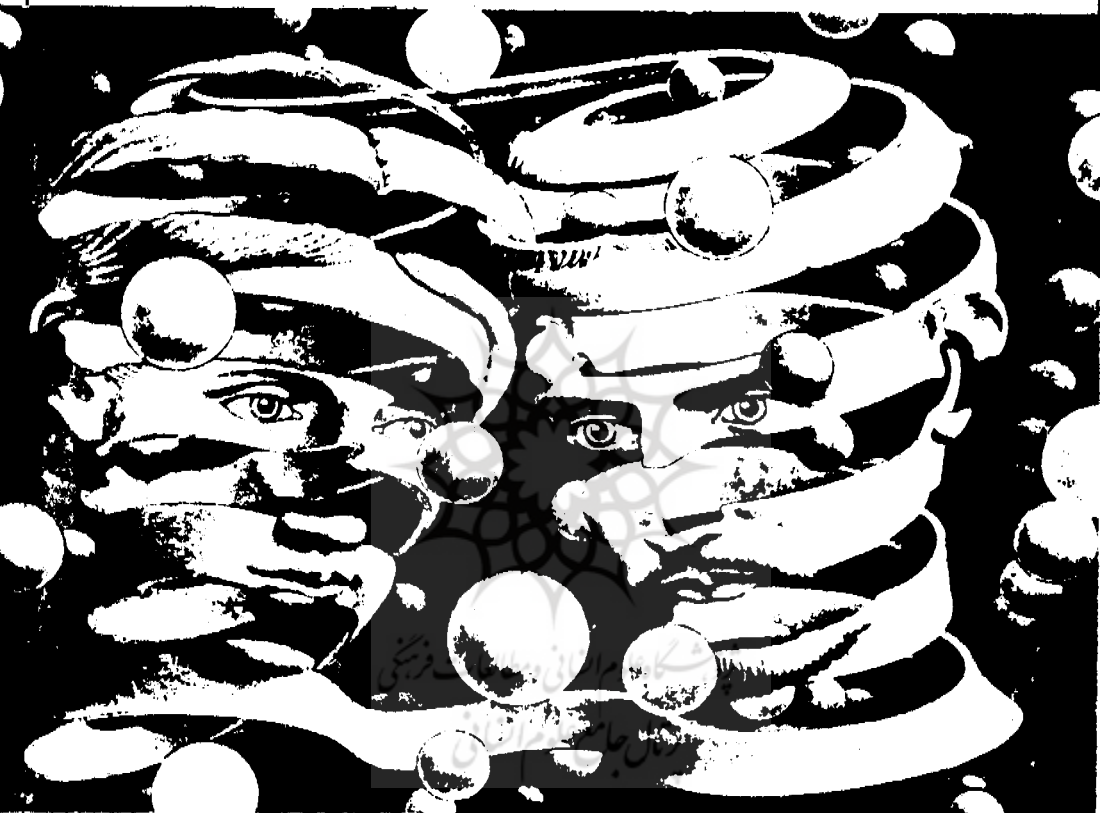
تحقیقات و مطالعات مختلف نشان داده‌اند که در تعلیمات ابتدائی، پسران در تست‌های مربوط به حساب، علوم و تاریخ بهترین نتایج را بدست می‌آورند. در حالیکه دختران در زبان مادری خصوصا " در قرائت برتر از پسران می‌باشند.

" ژوردان" ضمن بررسی و کنترل معلومات عمومی و ریاضی ۸۰۰۰ پسر و ۱۱۰۰۰ دختر در آموزش متوسطه، نوعی برتری پسران را خاطر نشان کرده است. همچنین پسران در تاریخ و دختران در زبان انگلیسی نیز نسبت به جنس مخالف خود برتر و جلو تر بوده‌اند. مطالعات و تحقیقات دیگری تأیید کرده‌اند که پسران در علوم و ریاضی قوی‌تر از دختران هستند.

تحقیقات دیگری در اینمورد انجام شده که جنبه‌های مختلف موفقیت دختران و پسران را در آموزش متوسطه مورد مطالعه قرار داده است که ضمن آن معلوم شده، برتری پسران در موادی که مستلزم استدلال ریاضی، استعداد تجسم فضائی، معلومات عمومی، تاریخ، جغرافیا علوم " است امری مسلم می‌باشد. در حالیکه

مردان از نوعی برتری نسبت به جنس مخالف برخوردارند. همچنین زنان در تست‌های حافظه اجتماعی، وضعیت زندگی روزانه و شناخت اسامی و چهره‌ها برتر از مردان می‌باشند. مطالعه‌ی جنبه‌های بیماری مقایسه‌ای زن و مرد و بررسی اینکه در چه مواردی از لحاظ مرگو میر و بیماری باهم فرق دارند نیز جالب توجه است

دربرسی حافظه و نیروی ذهنی، مسئله‌نیوغ نیز جای ویژه‌ای دارد. بررسیها نشان داده‌اند که استعداد زیبایی‌شناسی زنان با مردان برابر بوده و حتی بالاتر از آنها است و اغلب به طرف هنر، بهرشکلی که باشد کشیده شده و هر نوع هنری مورد توجه آنان قرار میگیرد. معهسذا



پسران بعد از تولد، همانند دوران زندگی جنینی، بانوعی مقاومت حیاتی کمتر، نسبت به دختران مشخص می‌شوند، بطوریکه مرگو میر پسران تا سن ده سالگی خیلی بیشتر و تقریباً مساوی با مرگو میر دختران بین ۱۰ تا ۱۵ سالگی است که این مقدار بعد، مجدداً در سطح بالا قرار میگیرد. دلیل این اختلاف راناشی از سازمان کروموزومی میدانند که جنس نر را از

ناچار باید قبول کرد که قدرت خلاقه زنان دراین زمینه به طور قابل ملاحظه‌ای محدوداست در سایر امور مساله نیوغ بعنوان یکی از پیچیده‌ترین مسائل که روانشناسی اختلافی زن و مرد مطرح می‌کند باقی مانده است و باید امیدوار بود که مطالعات عمیق تر در آینده بتوانند جواب قانع کننده‌ای ارائه دهند ولی آنچه مسلم است حافظه فوری زنان و حافظه غیرفوری

حساسیت بیشتری برخوردار می‌کند. بعلاوه نوع زندگی مردان "جنگ، الکلیسم، کارهای خطرناک و غیره" بیش از خطرات ناشی از زایمان زنان آنها را تهدید می‌کند و بعبارت دیگر، عوامل اجتماعی و فرهنگی در طول عمر، دخالت می‌کنند.

برخلاف مرگو میر، ابتلا به بیماریها، در جنس زن چشمگیر و فراوان‌تر است. حتی بدون در نظر گرفتن ناراحتی‌های مربوط به عادت ماهانه و حاملگی، نرخ آن با توجه به نرخ ابتلا جنس‌نر به بیماریهای مختلف در حدود ۲۰ درصد بیشتر است. با اینحال زن از لحاظ مقاومت در برابر بیماری، نسبت به مرد از قدرت و امکانات بیشتری برخوردار است. این سازش و قدرت مقاومت در برابر بیماریها احتمالاً از تغییرات دائمی درونی ناشی می‌شود که ارگانسیم زن در طول مدت عادت ماهانه و حاملگی آن مواجه است.

در مورد خودکشی نیز طبق آمار موجود، گرچه مردان بیش از زنان دست به خودکشی می‌زنند "حدود ۳ به ۱" ولی عوامل محرکه و انگیزه‌ی خودکشی در جنس زن بیشتر از مرد است که اغلب اوقات در این امر موفق نمی‌شوند. زیرا در برابر وسایل خشونت بار ولی موثرتر خودکشی، از قبیل سلاحهای گرم و حلق آویزی، بیشتر عقب نشینی می‌کنند.

پژوهش دانشمندان در زمینه‌ی حواس مختلفی که بمنظور سازش و انطباق با شرایط مختلف زندگی بصورت توانائیهای کم و بیش موثری عمل می‌کنند نیز بسیار ارزنده است. طبق این مطالعات، نسبت نابینایان مادرزادی در جنس‌نر بیشتر است. نزدیک بینی شدید در مسردان

شایع‌تر و فراوان‌تر و نزدیک‌بینی‌های ضعیف در زنان بیشتر دیده می‌شود. زنان در برابر تاری و خیرگی چشم حساس‌ترند زیرا زمان واکنش آنها طولانی‌تر است. برعکس در مورد میدان بصری، حس تشخیص عمق و ادراک اندازه‌ها اختلافی بین زن و مرد نیست.

مطالعه‌ی تشخیص رنگ، اختلافات قابل توجهی برحسب جنس را ثابت کرده است. زنان از بهترین نوع استعداد تشخیص رنگ برخوردار بوده خیلی بندرت به ناراحتی‌های ارثی در این زمینه مبتلا میشوند. نسبت ابتلا در این مورد ۱ به ۸ و حتی بیشتر است.

درباره حس شنوایی تنها به اختلافات مختصری بین دو جنس اشاره شده است. بنابه عقیده "کورسو"، حساسیت سمعی زنان کمی بیشتر از مردان بوده و با بالا رفتن سن آنان، خصوصاً در مورد فرکانس‌های قوی، با سرعت کمتری تقلیل یافته و دیرتر ضعیف می‌شود.

از لحاظ حس لامسه، تحقیقاتی که "هان تامسون" انجام داده است تقریباً هیچ اختلافی بین زن و مرد، در مورد آستانه‌ی فشار جلدی، درک لمسی اندازه‌های سطوح و حساسیت حرارتی را نشان نداده است.

در مورد حس چشائی برحسب نظریه‌ی "هلن تامسون" و "سولتان براکن" حس تشخیص طعم غذا در زنان ضعیف‌تر از مردان است.

درباره حس بویائی چیز مهمی برای گفتن وجود ندارد. جز اینکه حس شامه برحسب افراد و برحسب نوع بوها خیلی متفاوت است ولی اختلافی که مربوط به جنس افراد باشد بدست نیامده است.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

پرسشنامه‌ها و معیارهای رفتاری، امکان این نتیجه‌گیری را فراهم می‌کنند که جنبه‌معاشرتی زنان بالاتر از مردان بوده و حسن‌نیت اجتماعی آنان بیشتر است. معیار رفتاری دیگری، زنان را خیرخواه‌تر و صلح‌طلب‌تر و همچنین سازگارتر از مردان دانسته و معتقد است نسبت به قوانین و صاحبان، قدرت احترام بیشتری قائلند. بنظر میرسد که نقش جنسی آنان خصوصا "نقش مادری با برانگیختن نوعی نیاز خاص به امنیت، آنان را به دل‌بستگی شدید نسبت به نظام اجتماعی موجود آماده می‌کند.

همچنین بنظر می‌رسد که زنان بیش‌از مردان به‌تایید دیگران نیازمند بوده و نسبت به‌مطرود شدن حساسیت بیشتری نشان‌میدهند. حال آنکه پسران، مستقل‌تر بوده و وابستگی کمتری از خود نشان می‌دهند.

در مورد آنچه که به قضاوت اخلاقی مربوط میشود، هرگز اختلافی که مربوط به‌جنس افراد باشد ملاحظه نشده است. "کریسمان" با استفاده از روش پرسشنامه ۵۰ نوعی برتری زنانه در مورد ۴۰ سؤال از ۵۰ سؤال پرسشنامه را ملاحظه نموده است و لسی اختلاف موجود قابل توجه‌نبوده است. مطالعه‌ی دیگر نشان داده است که قضاوت هر دو جنس، درباره جنایت، دزدی، دروغ‌گویی و غیره خیلی شبیه یکدیگر است و همچنین زنان و مردان معمولا "در قضاوت‌های خود از اصطلاحات مشابهی استفاده می‌کنند.

روشن است که قضاوت اخلاقی را باید از اخلاق واقعی جدا کرده و مسئله بزهکاری را مطرح و در نظر گرفت. آمارهای موجود در این‌مورد حاکی از اختلاف قابل توجهی می‌باشند. بعنوان مثال "شینفلد" خاطر نشان می‌سازد که از ۶۲۶۹۲


درباره احساس درد "شوارتز" ملاحظه کرده است هیچ اختلافی بین دو جنس از لحاظ آستانه‌ی احساس درد وجود ندارد. بدون شک مسئله مقاومت در برابر درد، مسئله دیگری است "ژوزی‌میلر" پرسش‌نامه‌ی را بوسیله ۱۲۰ نفر پزشک و دندانپزشک تکمیل کرده و باین نتیجه رسیده است که بنابه نظر ۷۰ درصد پزشکان و دندانپزشکان، زنان بهتر از مردان درد را تحمل می‌کنند. با اینحال "ولز"، "میلتون" "لیبن" ، ۶۳ بیمار زن و مرد را با معیار عینی رفتار ارزیابی نموده و در واکنش‌های استرس معالجه دندان به‌اختلافی برخورد نکرده‌اند.

در هر حال اختلافات موجود بین دو جنس زن و مرد، در زمینه‌ی حسی، اغلب خیلی کم و گاهی حتی هیچ است. مهم‌ترین اختلاف موجود به برتری زنان در رویت رنگها مربوط است. بالاخره در زمینه ادراکی، ضعف زنان محسوس بوده و در زمینه حرکتی، مردان جز از لحاظ مهارت دستها، برتر از زنان میباشند و زمان واکنش آنها نسبت به زنان کوتاه‌تر است. عده‌زیادی از متخصصین درباره قابلیت هیجان‌پذیری درزن و مرد مطالعاتی انجام داده و بدین نتیجه رسیده‌اند که هیجان‌پذیری اغلب در زنان، به احساس آزادانه‌ی عواطف مربوط است درحالیکه در مردان، جز در موارد استثنائی باینصورت نمی‌باشد و مردان قادرند نوعی کنترل دقیق‌تری در رابطه‌خود با دیگران اعمال کنند. اگر هیجان‌پذیری بعنوان یکی از مختصات زنانه تلقی می‌شود، در عوض پرخاشگری هم از مشخصات غیر قابل تردید رفتار مردانه است.

نفر زندانی مورد مطالعه تنها ۲۶۰۹ نفر آنان زن بودند که نسبت آنها ۲۳ به ۱ است. یعنی در مقابل هر ۲۳ مرد زندانی فقط یک زن زندانی وجود داشت. اختلاف موجود از لحاظ بزهکاری نوجوانان به حداقل می‌رسد. در بسیاری از مطالعات آماری که بوسیله "ترمن" ارزیابی شده است، نسبت های موجود از ۳ / ۲ به ۱ تا ۸ به ۱ تغییر می‌کند.

در مورد مذهب، زنان بعادت به نقشی که موبد وابستگی و محدودیت بیشتر است، خود را با قواعد و دستورات مذهبی راحت تر منطبق می‌کنند. در عین حال مذهب پاسخگوی نیاز به امنیت و ثبات زنان بوده و ضمناً "امکان شناخت بیشتر و امید زندگی پس از مرگ را در آنان ایجاد می‌کند.

سخن آخر اینکه در مورد زن و مرد جنبه



شهره شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

"مکمل یکدیگر بودن" مطرح است و جامعه باید بتواند از استعداد های تکمیلی و متمم دو جنس استفاده کرده و آنها را بکار اندازد و در صورت امکان، ضمن اجتناب از نوعی رقابت بدفرجام، به زن امکان بدهد تا فعالیت خود را به زمینه‌هایی گسترش دهد که هنوز هم فرصت کافی برای نشان دادن استعداد های خود در اختیارش گذاشته نشده است.